

تأسیس دبستان ایرانیان استانبول و تحلیل نظام‌نامه آن

نظام علی دهنوی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۰ (صفحه: ۱۱۷-۱۴۰)

چکیده: دبستان ایرانیان، به عنوان یک نهاد اجتماعی، در ۱۴ صفر ۱۳۰۱، به دست جمعی از تجار و اصناف ایرانی و با مساعدت میرزا محسن خان معین‌الملک، سفیر کبیر ایران در عثمانی، در شهر استانبول تأسیس شد. زمینه‌های شکل‌گیری این نهاد آموزشی به نروز ۱۲۹۶ ق در جلسه تجار معتبر ایرانی در سفارت ایران در استانبول برمی‌گردد. در این پژوهش سعی شده که، با تکیه بر اسناد و منابع متعدد، به چگونگی تأسیس این نهاد پرداخته شود و ساختار اداری، مالی و آموزشی آن، با تکیه بر نظام‌نامه آن، تحلیل و ارزیابی گردد. این نظام‌نامه را، که ۸ فصل و ۱۱۰ ماده دارد، رضاقلی خان خراسانی، از اعضای اصلی انجمن اداره دبستان و نخستین مدیر آن، در ۴۳ صفحه به رشته تحریر درآورده است. در این مقاله قصد داریم به این سؤالات اساسی پاسخ دهیم که دلایل و نیروهای اثرگذار در شکل‌گیری دبستان ایرانیان چه بوده است؛ و ساختار اداری، مالی و آموزشی

دبستان در نظام‌نامه آن چگونه انعکاس یافته است؟ این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در حوزه مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. یافته‌ها حاکی از آن است که تحولات سریع در تغییر سبک آموزشی مدارس در دنیای غرب، به‌خصوص در کشورهایی چون روسیه و عثمانی، و همچنین اقدامات دولت‌ها و نیز تجار و بزرگان آنها در ساخت مدارس باعث شد که ایرانیان مهاجر در استانبول نیز، به پیروی از آنها، اقدام به تأسیس دبستانی به سبک نوین نمایند.

کلیدواژه‌ها: استانبول، دبستان ایرانیان استانبول، انجمن حسینییه، عثمانی، نظام‌نامه.

۱ مقدمه

از نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه، جریان مهاجرت ایرانیان به کشورهای همسایه از جمله روسیه، هندوستان و عثمانی به طور چشمگیری رو به فزونی نهاد. بخش عمده‌ای از این مهاجران از اقشار فرودست جامعه بودند که، به دلایلی چون قحطی و خشکسالی، فشار حکام و خوانین محلی و، به طور کلی، شرایط نامساعد اقتصادی در ایران و نیز وجود زمینه‌های بهتر کار در خارج از مرزهای ایران، راه غربت و مهجوری را در پیش گرفتند. یکی از عمده‌ترین مراکز تجمع ایرانیان در دوره مذکور شهر استانبول، مرکز امپراتوری عثمانی، بود. ایرانیان ساکن این شهر ترکیب اجتماعی متنوعی داشتند. تعدادی از آنان تجار و بازرگانان بزرگی بودند که از مناطقی چون آذربایجان و نیز شهرهایی چون کاشان و اصفهان به استانبول رفته بودند. جمع بزرگی از ایرانیان استانبول از کسبه و پیشه‌وران بودند، که اغلب برای خود صنفی تشکیل می‌دادند و فردی را نیز به ریاست صنف برمی‌گزیدند. در نهایت، بخش بزرگ‌تر ایرانیان ساکن استانبول را اقشار فرودست و بسیار دون‌پایه‌ای تشکیل می‌دادند که اغلب به مشاغلی چون باربری، حمالی و... می‌پرداختند.

به هر روی، شواهد حاکی از حضور گسترده ایرانیان، از اقشار مختلف، در این شهر و توابع آن است. تعداد فراوان ایرانیان در آن سامان و نیز فعالیت بزرگان عثمانی در

تأسیس مدارس و به‌ویژه عملکرد قابل توجه اقلیت‌های بیگانه، از جمله یونانی‌ها، در بنیان نهادن مدارس جدید در آن شهر باعث شد که ایرانیان ساکن استانبول، به‌ویژه گردانندگان روزنامه/ختر، مسئولان سفارت ایران و تجار ایرانی ساکن استانبول نیز در صدد تأسیس دبستانی به سبک جدید برای آموزش کودکان ایرانی از اقشار مختلف برآیند. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت مدرسه، به عنوان یک نهاد اجتماعی، و ارتباط فراوان و کنش‌های متقابل آن با سایر نهادهای مهم جامعه همچون خانواده و نیز مذهب، سیاست و حتی اقتصاد، تأسیس مدرسه در این شرایط لازم به نظر می‌رسید.

به این ترتیب، مدرسه ایرانیان استانبول در این شهر تأسیس شد و پس از آن، به منظور تداوم فعالیت‌های این مدرسه و حفظ بنیان آن، به عنوان یک نهاد آموزشی به سبک جدید، قوانین و مقرراتی وضع و اجرا گردید. در این راستا، نظام‌نامه این نهاد جدید تدوین و وظایف متعددی در آن مشخص شد، هرچند شاید برخی از مواد آن با عناصر فرهنگی چون ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر خانواده‌ها و جامعه ایرانی آن سامان همخوانی چندانی نداشت. البته در این پژوهش قصد نداریم به بررسی ناسازگاری و شکاف میان ارزش‌های سنتی رایج در بین ایرانیان و هنجارهای جدید در نظام‌نامه بپردازیم. این نظام‌نامه گرچه اقتباسی گزینشی از عناصر فرهنگی موجود در ساختار نظام آموزشی نوین عثمانی بوده است، اما به نظر می‌رسد نویسنده آن سعی کرده که عناصری ارزشمند از فرهنگ مبتنی بر ارزش‌ها و سنت‌های ایرانیان را در لابه‌لای مواد آن بگنجاند.

از آنجا که در آن زمان عوامل قانونی و آیین‌نامه‌هایی که در نظم‌بخشی به مدرسه نقش داشته باشد شکل نیافته بود، نظام‌نامه تنها مرجع قانونی دبستان به شمار می‌رفت که به دست افراد غیرحکومتی تحریر و اجرا گردید. بررسی دقیق فصل‌ها و مواد صد و ده‌گانه این نظام‌نامه چراغ راه مناسبی برای شناخت ساختار مدرسه است، که در این پژوهش تحلیل و ارزیابی خواهد شد. هدف از این پژوهش بررسی و شناخت مقاصد، اهداف و ساختار حاکم بر مدرسه مذکور، با تکیه بر نظام‌نامه آن است. با نگاهی گذرا به

عملکرد این دبستان در حوزه‌های مختلف و بررسی تفاوت‌های آن با نظام آموزشی درون ایران، که بر پایه نظام مکتب‌خانه‌ای بود، به گسست و انقطاع آن از نظام آموزش سنتی و تحولی گفتمانی در حوزه آموزش پی می‌بریم. گرچه این پژوهش در پی تطبیق نظام مکتب‌خانه‌ای با آموزش به سبک نوین نیست، اما آنجایی که نیاز به فهم و تبیین عملکرد دبستان ایرانیان بود، اندکی به این مهم اشاره شده است.

۲ پیشینه پژوهش

بررسی تحقیقات گوناگون نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی درباره زمینه‌ها و روند تأسیس دبستان ایرانیان در استانبول و تحلیل نظام‌نامه آن به رشته تحریر درنیامده است. تنها منبع ارزشمند درباره علل و زمینه‌های شکل‌گیری دبستان ایرانیان روزنامه /ختر، چاپ استانبول، است. اطلاعات این روزنامه در خصوص جلسات متعدد تجار و اصناف ایرانی با میرزا محسن‌خان معین‌الملک، سفیر کبیر ایران در عثمانی، برای تأسیس دبستانی برای تحصیل کودکان ایرانی، در نوع خود، بی‌نظیر است.

با وجود بررسی فراوان اسناد موجود در آرشیوهای وزارت امور خارجه و سازمان اسناد ملی ایران، اطلاعاتی درباره این جلسات و نیز تشکیل انجمن حسینی، به عنوان بنیان‌گذار اصلی دبستان ایرانیان، به دست نیامد. اسناد فراوانی در آرشیوهای مذکور درباره فعالیت‌های دبستان ایرانیان از ابتدای تأسیس تا روزگار کنونی یافت شد، اما در هیچ یک از آنها به زمینه‌ها و چگونگی تشکیل دبستان تا زمان تأسیس اشاره‌ای نشده است.

۳ روزنامه /ختر و زمینه‌های تأسیس دبستان ایرانیان

زمینه‌ها و پیشینه تشکیل دبستانی به سبک جدید، به منظور تحصیل کودکان ایرانیان در استانبول، به سال ۱۲۹۳ق برمی‌گردد. روزنامه /ختر، که در سال ۱۲۹۲ق در استانبول با مدیریت میرزا طاهر تبریزی آغاز به کار کرد، از همان ابتدای سال دوم

انتشار، در بسیاری از شماره‌های آن به اهمیت تأسیس مدارس به سبک مدرن و نیز به گسترش علم و آگاهی در ایران و به‌خصوص در میان ایرانیان استانبول توجهی ویژه شد. به نظر می‌رسد بدون بررسی تک‌تک شماره‌های منتشرشده روزنامه/ختر نمی‌توان به درک و شناختی صحیح از چگونگی تأسیس دبستان ایرانیان و روند فعالیت آن دست یافت. نویسندگان آن نشریه همواره به اهمیت آموزش در سطوح مختلف آن در دنیای غرب و به‌خصوص تلاش‌های دولت‌های روسیه، عثمانی و هند، از همسایگان ایران، توجه جدی نشان دادند. اهمیت علم و دانش نوین و نقش مدارس در این حوزه از دغدغه‌های بنیادین مسئولان و نویسندگان روزنامه/ختر بود. آنان، به طور مداوم، به این نقش در ترقی و توسعه در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌های پیشرفته اشاره می‌کردند. این روزنامه، ضمن آگاهی‌بخشی درباره تحولات علوم و فنون جدید و اثرات آن در توسعه این کشورها، در پی تشویق کارگزاران ایرانی به توجه و اقدام در راستای به‌کارگیری این علوم و فنون بود. چون این روزنامه در ایران و مناطق همجوار آن، که ایرانیان مهاجر در آن مناطق حضور پررنگی داشتند، توزیع می‌شد، انتشار این اخبار و اطلاعات می‌توانست مسئولان و تجار و فرهنگ‌دوستان ایرانی از اقوام مختلف را به ایجاد مدارس به سبک جدید تشویق و تحریض نماید.

دستاندرکاران روزنامه/ختر، برای ترغیب ایرانیان استانبول در ایجاد بنای مدرسه به سبک جدید، در سال‌های ۱۲۹۳-۱۳۰۱ ق، در شماره‌های متعدد، راهکارهای گوناگونی به کار می‌بردند؛ از طرفی، با تحریک احساسات آنان، غیرت و حمیت آنها را نشانه می‌رفتند و، از جانب دیگر، همواره به فعالیت‌های اقلیت‌های مختلف در عثمانی، به‌خصوص استانبول، که با وجود تعداد اندک و توان مالی کمتر، در مقایسه با ایران، اقدام به تأسیس مدارس خیریه می‌نمودند، اشاره می‌کردند، و به این ترتیب، نقش دولت‌مردان غربی و همسایگان ایران، به‌خصوص عثمانی، را در تأسیس فراوان مدارس جدید در سطوح مختلف به رخ ایرانیان، به‌ویژه دولت‌مردان ایرانی، می‌کشید.

در روزنامه/ختر (س ۲، ش ۲۱، ۲۴ محرم ۱۲۹۳: ۳)، ضمن اشاره به تعداد فراوان ایرانیان

در استانبول و اطراف آن و سکونت تعداد زیادی از خانواده‌های ایرانی صاحب فرزند در این شهر، آموزش «علم و ادب» در مدارس جدید ایرانیان مهم‌ترین گام در خدمت به کودکان این خانواده‌ها معرفی شده، و پیشرفت و ترقی یک ملت بدون بنای مدارس جدید و «تربیت اطفال» ناممکن دانسته شده است. گردانندگان این روزنامه بزرگان ایرانی ساکن استانبول را مدام به بنای یک مدرسه جدید تشویق می‌کردند و معتقد بودند که آنان «در این باب فوق‌العاده غیرت و اهتمام خودشان را ظاهر» خواهند نمود (همان‌جا).

در یکی از شماره‌های روزنامه/ختر، در مقاله‌ای با عنوان «مزیت علم و تعلیم فرزندان»، به فواید تربیت و آموزش اطفال ایرانی پرداخته شده است. نویسنده آن مقاله به اهالی ایران در استانبول درباره بی‌توجهی به تعلیم و تربیت اطفال و کودکان خویش تذکر می‌دهد، و این که «ابداً اعتنایی به چنین کار لازمی که به اعتقاد عقلا در اولین درجه لزوم و نخستین تکلیف انسان است» ننموده‌اند را مایه تعجب می‌داند (همان، س ۳، ش ۲۱، ۴ ربیع‌الثانی ۱۲۹۴: ۱). وی همچنین به ملت ایران و ایرانیان استانبول یادآور می‌شود که از «سایر ملت‌ها عبرت بگیرند» و در تعلیم و تربیت کودکان خود همت کنند. او معتقد است که «همه ترقی‌های ملت‌های دیگر از این ممر و بدین واسطه شده است» و بیان می‌کند که در «فرنگستان آدم بی‌سواد بسیار کم است. حمال و بقال ایشان صاحب سوادند و محاسب و از همه جای دنیا با اطلاع هستند» (همان‌جا). مؤلف مقاله مذکور هدف خود را تشویق و ترغیب ایرانی‌های استانبول به تأسیس یک «مکتب ملتی» برای کودکان ایرانی بیان کرده و انجام این کار را از «لازم‌ترین تکالیف شرعی و عرفیه» و اجرای چنین عملی را از جمله «حقوق اولاد بر والدین» دانسته است. او یادآور شده که چند نفر از «تجار و آقایان رؤسای هر صنف و طبقه از اهالی ایران»، به اتفاق یکدیگر، با تشکیل انجمنی و «کرایه جای مناسبی» و با به کارگیری معلمان توانمند، پایه‌گذار یک مدرسه جدید باشند و بیان کرد که با این اقدام «خودشان را به علت اهمال و تأخیر این کار نزد خدا و خدائیان مؤاخذه و مسئول و در نزد مردم سرافکننده و مخجول سازند و تربیت اطفال خودشان را باعث سعادت و نیک‌بختی خودشان و ایشان دانسته، خودداری ننمایند» (همان: ۲).

دولت‌مردان ایرانی نیز، در خصوص بی‌توجهی به ترویج علم و آگاهی در ایران و

راه‌های گسترش آن، از نگاه تیزبین گردانندگان روزنامه‌/ختر مصون نماندند. دست‌اندرکاران این روزنامه از همان ابتدای انتشار، خوانندگان خود، به‌خصوص قدرت‌مداران سیاسی و اقتصادی ایران در داخل و خارج، را به شناخت «دانش و آگاهی» تشویق می‌کردند. آنها «سعادت و نیک‌بختی» یک جامعه و نیز امید و اطمینان به «آینده خود و زادگان و اخلاف خود» را در دو کلمه گنجانده بودند: «علم و اطلاع». به عبارت دیگر، در روزنامه‌/ختر از دانش و آگاهی به عنوان ضامن هرگونه نیک‌بختی و نیک‌نامی یاد شده است: «بی‌علم و آگاهی هیچ مکروهی دفع نتواند شد و بی‌دانش و اطلاع هیچ مطلوبی را دسترس نتواند بود»؛ همچنین به ایرانیان هشدار داده شده که «بر حسب ترقیات زمان»، در راستای کسب علم و دانش گام بردارند که بتوانند روزگار خود را درک کنند. افزون بر این، به خوانندگان یادآوری شده که اهالی فرنگستان که «مدارج ترقیات علوم و فنون و هنرها» را طی کرده‌اند، چنان نیست که این ترقیاتشان در دایره سرزمین خود باقی بماند و

ما را آسوده‌خاطر ترک کنند در خانه‌های خودمان نشسته با همان نان جوین و پیراهن کرباسی خودمان بسازیم... ما پنجاه سال پیش از این این‌طورها و به این شدت محتاج مرادات خارجه نبودیم. هیچ زبان دیگری را هم لازم نبود یاد بگیریم. در این اندک‌زمان کار به جایی رسید که بایستی سلاطین و پادشاهان عظیم‌الشأن با همدیگر ملاقات‌ها کنند... اگر ما در خانه خود بنشینیم آنها در خانه خودشان نمی‌توانند بنشینند. معارف و علوم و صنایع و هنرهای آنها آنها را حرکت می‌دهند (همان، س ۱، ش ۱۰، ۲۹ ذی‌الحجه ۱۲۹۲: ۱).

همچنین، در ادامه، توصیه شده که ایرانیان علم و ادب بیاموزند و به کار هنر و دانش پردازند تا از قافله شناخت از شرایط زمانه و تحولات جهانی عقب نمانند (همان‌جا). در نهایت، پیگیری‌های مداوم گردانندگان روزنامه‌/ختر از سال ۱۲۹۳ ق باعث شد که، در ایام نوروز سال ۱۲۹۶ ق، تجار معتبر ایرانی در استانبول به دعوت میرزا محسن‌خان، سفیر کبیر ایران در عثمانی، در سفارت ایران جلسه‌ای تشکیل دهند؛ و در آن جلسه، نخستین گام در جهت تشکیل انجمن حسینییه، با هدف بنای تکیه و

مدرسه‌ای برای آموزش کودکان ایرانی، برداشته شد (همان، س ۵، ش ۱۴، ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۹۶: ۴). به این موضوع در بحث «انجمن حسینی» بیشتر خواهیم پرداخت. پس از برگزاری این جلسه، در روزنامه‌ی *اختر*، مدام بحث تأسیس مکتب برای تحصیل کودکان ایرانی مطرح می‌شد و اقدامات تجار کم‌تعداد یونانی در بنای مدارس به منظور تحصیل کودکان یونانی به ایرانیان توانمند آن سامان گوشزد می‌شد. دست‌اندرکاران این روزنامه امیدوار بودند که «عموم اهالی ایران از تجار و کسبه و هر صنف» که در استانبول بودند در خصوص تأسیس مکتب برای تحصیل کودکان ایرانی «به هیچ وجه همت خودشان را دریغ نداشته، این عمل خیر را به نیکوترین وجهی» به سرانجام مقصود برسانند (همان، س ۵، ش ۱۵، ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۲۹۶: ۴).

۴ نظام‌نامه دبستان

نظام‌نامه دبستان ایرانیان^۱، حاوی اطلاعات ارزشمندی در باب ساختارهای اداری، مالی و به‌ویژه آموزشی دبستان مذکور است. این نظام‌نامه را رضاقلی‌خان خراسانی، یکی از تجار مؤسس دبستان و نخستین مدیر آن، در تاریخ ۲ شعبان ۱۳۰۱، در شهر استانبول به رشته تحریر درآورد. این نظام‌نامه، که در ۴۳ صفحه، مشتمل بر مقدمه، ۸ فصل، ۱۱۰ ماده و خاتمه تنظیم شده بود، در واقع، آیین‌نامه‌ای بود که رضاقلی‌خان ساختار مدرسه را در آن تعیین و تشریح کرده بود.

فصل نخست *نظام‌نامه*، با عنوان «در بیان اداره عمومی» شامل ۵۲ ماده است و بیشترین مواد و مباحث چگونگی اداره امور دبستان را به خود اختصاص داده است. موضوعاتی چون وظایف انجمن‌های دبستان و نحوه شکل‌گیری آنها، پذیرش دانش‌آموزان و قوانین مربوط به آن، عملکرد دبستان در قبال دانش‌آموزان بدسرپرست،

۱. این نظام‌نامه را آقای دکتر اقبال قاسمی پویا، مؤلف کتاب *مدارس جدید در دوره قاجاریه؛ بانیان و پیشروان*، در سال ۱۳۸۱ در اختیار نگارنده قرار داده است. البته این نظام‌نامه در *رساله تربیت: نخستین مرام‌نامه در آموزش و پرورش نوین ایران*، نگارش ژنرال میرزا تقی‌خان کاشانی و *نظام‌نامه مدرسه ایرانیان استانبول* (به کوشش اسفندیار معتمدی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران ۱۳۹۰) به چاپ رسیده است.

دروسی که می‌بایست آموزش داده می‌شد، ورود و خروج شاگردان و نحوه نظارت بر آن، و ... اساس این فصل را تشکیل می‌دهد.

فصل دوم، با عنوان «در بیان وظایف معلمین»، در ۶ ماده تنظیم شده است. در این فصل به نحوه رفتار معلمان با شاگردان و عملکرد آنها در دبستان پرداخته شده است.

فصل سوم، «در بیان تدریس»، مشتمل بر ۱۱ ماده است. تقسیم‌بندی کلاس‌ها و نحوه برگزاری امتحانات از مباحث اصلی این فصل به شمار می‌رود.

چهارمین فصل *نظام‌نامه*، در ۱۴ ماده، به «بیان وظایف شاگردان» اختصاص دارد. چگونگی ادای فرایض دینی دانش‌آموزان، وظایف شاگردان در برابر معلمان، ورود و خروج دانش‌آموزان و نحوه نظارت بر عملکرد آنان از نکات اساسی این فصل است.

فصل پنجم، مشتمل بر ۳ ماده، «در بیان امتحان» است. در این فصل، چگونگی برگزاری امتحانات در طول سال و نیز امتحانات پایان سال یا نهایی بیان شده است.

فصل ششم، «در بیان مکافات»، در ۵ ماده به رشته تحریر درآمده است. منظور از «مکافات»، در آن روزگار، پاداش و جایزه بوده است. در این فصل، به طور مشخص، به دلایل و عوامل تشویق دانش‌آموزان در طول یک سال تحصیلی و به‌خصوص پس از اتمام امتحانات پایان سال اشاره شده است.

فصل هفتم *نظام‌نامه*، «در بیان مجازات»، مشتمل بر ۸ ماده است. در این فصل به چگونگی عملکرد شاگردان دبستان و عوامل نظارت بر آن پرداخته شده است.

هشتمین فصل *نظام‌نامه*، با عنوان «وظایف مبصر و بواب و خدام»، در ۸ ماده تدوین شده است.

۵ انجمن خیریه حسینییه و دبستان ایرانیان

روند تأسیس انجمن حسینییه با تشکیل مدرسه‌ای به سبک نوین، به دست ایرانیان استانبول، ارتباط تنگاتنگی داشت. چنانچه پیش‌تر اشاره شد، در ایام نوروز ۱۲۹۶ق به دعوت میرزا محسن خان معین‌الملک، سفیر کبیر ایران در استانبول، تجار و بزرگان

ایرانی استانبول در سفارت ایران جمع شدند. در این جلسه، معین‌الملک در خصوص اهمیت و لزوم تأسیس یک مکتب ایرانی سخن گفت. ماحصل جلسه مذکور آن بود که میرزا نجفعلی خان، ژنرال کنسول ایران در استانبول، مأمور شد که، با هماهنگی و همکاری تجار ایرانی آن دیار، صندوقی با عنوان «صندوق ملتی» بنیان نهد که، از طریق اعانه ایرانیان، مدرسه‌ای به سبک جدید برای تحصیل کودکان ایرانی آن سامان تأسیس شود (همان، س ۵، ش ۱۴، ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۹۶: ۴).

سرانجام، با پیگیری‌های مداوم دست‌اندرکاران روزنامه/ختر و به‌خصوص با تلاش‌ها و پیگیری‌های بی‌وقفه معین‌الملک، انجمن حسینییه در سال ۱۲۹۷ ق در استانبول تأسیس شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود صد نفر عضو دائمی و نیز دوازده نفر عضو برای اداره انجمن تعیین شدند، که از تجار برجسته ایرانی بودند و تعدادی خارجی نیز در بین آنها حضور داشتند. ریاست انجمن بر عهده معین‌الملک و معاونت یا رئیس دومی آن نیز بر عهده میرزا نجفعلی بود.

هدف از تأسیس انجمن حسینییه، تأسیس مدرسه‌ای برای تحصیل کودکان ایرانی در استانبول و نیز بنای حسینییه‌ای به منظور انجام فرایض و مراسم دینی ایرانیان در آن دیار بود (همان، س ۶، ش ۴، ۲۳ محرم ۱۲۹۷: ۹). اعضای انجمن مذکور از زمان استقرار انجمن قرار بود که حق عضویت تعیین‌شده خود را، برای اجرای اهداف مذکور، به طور مرتب، به صندوق آن بپردازند. شواهد نشان می‌دهد که هرچند، در اوایل تأسیس، اعضا مقید به پرداخت حق عضویت بودند، اما با گذر ایام، تعدادی از آنان از زیر بار مسئولیت شانه خالی کردند و از پرداخت آن استنکاف نمودند. گردانندگان انجمن، با مبالغ موجود در صندوق، ملکی شامل ابنیه و عمارت و حدود یازده زرع زمین، در محلی بسیار مناسب که مقابل مسجد ایاصوفیه قرار داشت، برای احداث حسینییه و دبستان خریداری کردند (همان، س ۱۲، ش ۲۱، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۰۳: ۳).

۶ انجمن‌های دبستان

ساماندهی و نظارت بر ساختار اداری، مالی و آموزشی دبستان ایرانیان به عهده دو

انجمن با عنوان «انجمن اداره» و «انجمن تدریسیه» بود. طبق فصل نخست و ماده اول *نظامنامه*، اداره مدرسه به عهده یک مدیر و چهارده نفر از اعضای انجمن نهاده شده بود. هفت نفر از اعضای مذکور انجمن اداره را تشکیل می‌دادند و هفت نفر دیگر اعضای انجمن تدریسیه بودند، که هر یک وظایف خاصی بر عهده داشتند.

۶-۱ انجمن اداره

مدارک و شواهد نشان می‌دهد که یکی از عمده‌ترین اهداف شکل‌گیری انجمن حسینییه تأسیس دبستانی برای آموزش کودکان ایرانی در استانبول بود (همان، س ۵، ش ۱۴، ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۹۶: ۴). اعضای انجمن مذکور، با مدیریت معین‌الملک، برای راه‌اندازی مدرسه، تعدادی تاجر برجسته ایرانی را به عنوان اعضای انجمن اداره مدرسه انتخاب کردند. در پایان *نظامنامه*، اسامی اعضای انجمن به این شرح ذکر شده است: حاجی محمود آقا تاجر صدقیانی (امین صندوق انجمن)، حاج حسن آقا تاجر صدقیانی، حاجی عباس آقا تاجر ایروانی، عبدالهادی آقا تاجر تبریزی، مشهدی رضا آقا تاجر حبشی، حاجی میرزا حسین آقا تاجر اصفهانی، حاجی زین العابدین آقا تاجر خویی (مشهور به بیت الله) (*نظامنامه*: ۴۱-۴۳؛ *اسناد وزارت امور خارجه*، سال ۱۳۲۹ق، کارتن ۳۰، پرونده ۱۹: ۱). سرانجام، دبستان ایرانیان در ۱۴ صفر ۱۳۰۱، در شهر استانبول در محله خان ییلدیز، بنیان گذاشته شد (*نظامنامه*: ۳؛ خان ملک ساسانی ۱۳۵۴: ۱۰۳).

۶-۲ انجمن تدریسیه

انتخاب اعضای انجمن تدریسیه که هفت نفر بودند، بر عهده اعضای انجمن اداره بود (*نظامنامه*: ۵-۶). اعضای انجمن مذکور می‌بایست سالیانه تغییر می‌کردند. انجمن تدریسیه گرچه از توان کمتری نسبت به انجمن اداره مدرسه برخوردار بود، اما بررسی *نظامنامه* نشان می‌دهد که وظایف گوناگونی بر عهده این انجمن بود؛ از جمله:

۱. بررسی دقیق مسائل و موضوعات دروس جهت تدریس در دبستان؛
۲. پیگیری وضعیت نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان مدرسه و رفع نقاط ضعف آنان؛

۳. شناخت و تنظیم وسایل، آلات و ادوات و حتی کتب دبستان (همان: ۷-۸)؛
۴. حضور یک نفر از اعضای انجمن تدریسیه در جلسه امتحانات دانش‌آموزان، در روز شنبه هر هفته (همان: ۲۶)؛
۵. سنجش علمی دانش‌آموزانی که قصد داشتند از دبستانی دیگر وارد دبستان ایرانیان شوند؛
۶. بررسی و سنجش علمی معلمان متقاضی برای تدریس در دبستان ایرانیان (همان: ۲۶-۲۷)؛
۷. دریافت گزارش «معاینه علمیه» شاگردان دبستان، هر سه ماه یکبار (همان: ۳۵).

۷ منابع درآمد

ماهیت و فلسفه وجودی انجمن حسینیّه تأسیس دبستانی بر پایه حق عضویت اعضای آن بود. هرچند در *نظام‌نامه*، بخش عمده درآمد دبستان از طریق دریافت شهریه از دانش‌آموزان در نظر گرفته شده و نامی از انجمن حسینیّه و پرداخت حق عضویت اعضای آن برده نشده است، اما بررسی‌های فراوان نگارنده از روزگار پیش از شکل‌گیری دبستان تا چندین سال پس از آن نشان می‌دهد که دریافت شهریه نقش برجسته‌ای در تأمین هزینه‌ها و مصارف مدرسه نداشته است. همچنین بررسی اسناد و مطبوعات نشان می‌دهد که جمعی از ایرانیانی که پذیرفته بودند همواره مبلغی مشخص اعانه پرداخت نمایند، از پرداخت وجوهات تعیین‌شده استنکاف نمودند و به همین دلیل مشکلات مالی دبستان از همان سال‌های نخست خود را نشان داد (اختر، س ۱۲، ش ۲۱، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۰۳: ۳). به طور کلی، در *نظام‌نامه* دبستان ایرانیان منابع مالی تأمین مصارف مدرسه به شرح ذیل است:

۱. شهریه دانش‌آموزان توانمند به لحاظ مالی منبع ثابت درآمد دبستان به شمار می‌رفت. البته بسیاری از شاگردان همواره از خانواده‌های بی‌بضاعت و از پرداخت شهریه معاف بودند (*نظام‌نامه*: ۱۰-۱۱).
۲. ورود کودکان عثمانی از ملیت‌های مختلف به دبستان ایرانیان مجاز بود، مشروط بر اینکه سالیانه مبلغ ۱۲ لیره عثمانی به صندوق مدرسه پرداخت می‌کردند (همان: ۱۲).

۸ ساختار آموزشی

پیش از تأسیس مدارس به سبک جدید به همت ایرانیان، مکتب‌خانه‌ها پایه و اساس آموزش محسوب می‌شدند. پذیرش و ورود به مکتب‌خانه‌ها منطبق با شرایط سنی و نیز در زمان معینی نبود (علاقه‌بند ۱۳۷۳: ۱۵۴؛ قاسمی پویا ۱۳۷۷: ۴۹). در دبستان ایرانیان برای این موضوع شرایط خاصی اندیشیده شد. طبق *نظام‌نامه دبستان*، کودکان کمتر از ۵ و بیشتر از ۱۲ سال به عنوان دانش‌آموز پذیرفته نمی‌شدند، اما در نخستین سال پذیرش دانش‌آموزان شرایط سنی تا حدودی نادیده گرفته شد و کودکان بالای ۱۲ سال نیز پذیرش شدند (*نظام‌نامه: ۸-۹*).

یکی دیگر از شروط پذیرش آن بود که اگر دانش‌آموزی در دبستانی غیر از دبستان ایرانیان استانبول تحصیل کرده بود و قصد ورود به این دبستان را داشت، ابتدا انجمن تدریسیه از وی امتحان می‌گرفت و، در صورت صلاحیت، در کلاس مرتبط پذیرفته می‌شد (همان: ۲۸).

موضوع دیگر در دبستان ایرانیان، نظارت و کنترل انضباط بود، اما در *نظام‌نامه* این مباحث به صورت مجزا بیان نشده و تنها در حوزه آموزش به آنها اشاره‌هایی گردیده است. در بررسی و ارزیابی *نظام‌نامه*، شواهد متعددی در خصوص شیوه‌های نظارت بر دانش‌آموزان و نیز معلمان ذکر شده است. بخشی از شیوه‌های کنترل و انضباط در دبستان هنجاری بودند؛ هنجارهای انضباطی‌ای که ظاهراً هم ریشه در سنت ایرانیان مهاجر داشت و هم ارتباطی نزدیک با روش‌های آموزشی و مدیریتی مدارس نوین. با نگاهی گذرا به *نظام‌نامه دبستان ایرانیان*، می‌توان خرده‌کیفربندی برای زمان ورود و خروج و غیبت‌های دانش‌آموزان و نیز عملکردهای «مغایر ادب» آنان را مشاهده کرد (*نظام‌نامه: ۳۸-۳۹*).

نظارت بر نظام انضباطی مدرسه بر عهده افراد مختلفی چون مدیر، معلم، مبصر، جوقه‌باشی و خدمتگزاران مدرسه بود. در رأس سیستم کنترل و انضباط مدرسه مدیر قرار داشت، که به واسطه افراد مذکور، از زمان ورود و خروج و بی‌توجهی به چارچوب

تعیین‌شده علمی دانش‌آموزان آگاه می‌شد. در حوزه آموزش و نحوه فراگیری دانش‌آموزان نیز نظارت و مجازات وجود داشت.

مطلب دیگر، انتخاب معلم بود، که طبق *نظام‌نامه*، معلمانی که قصد تدریس در دبستان ایرانیان را داشتند، می‌بایست مقام و توان علمی آنها از سوی انجمن تدریسیه سنجش می‌شد و سپس کار تدریس را شروع می‌کردند (همان: ۲۶-۲۷).

از نظر سنجش و ارزیابی تحصیلی دانش‌آموزان، با نگاهی گذرا به *نظام‌نامه*، مشخص می‌شود که مدرسه در واقع نوعی دستگاه امتحان بی‌وقفه بود که، با سنجش‌های رسمی و غیررسمی مداوم، هر دانش‌آموزی با سایر دانش‌آموزان، به طور همیشگی، مقایسه می‌شد، که این مهم تنبیه یا تشویق آنان را امکان‌پذیر می‌کرد.

از روش‌های سنجش غیررسمی و دوره‌ای دانش‌آموزان در دبستان ایرانیان، برگزاری امتحان در روزهای شنبه هر هفته با حضور معلم و یک نفر از اعضای انجمن تدریسیه و ثبت آن در دفاتر مخصوص بود (*نظام‌نامه*: ۲۶). سنجش رسمی دبستان به دو صورت انجام می‌گرفت: یکی امتحانات هر سه ماه یک‌بار، با عنوان «معاینه علمی» شاگردان، که به مدیر و انجمن تدریسیه ارائه می‌شد؛ دیگری، امتحانات پایان سال یا نهایی که از ۴۵ روز پیش از نوروز شروع می‌شد و تا ۴۰ روز ادامه داشت و روز عید کارنامه شاگردان توزیع می‌گردید. فهرست اسامی دانش‌آموزان به همراه نتیجه معاینه علمی و امتحان نهایی می‌بایست به سفارت ایران در استانبول تحویل داده می‌شد. نهایت نمره در هر امتحان ۱۰ بود (همان: ۳۵).

امتحان کارکردی دوگانه داشت که، در آن، هم پاداش دیده می‌شد و هم مجازات و تنبیه. سخت‌ترین مجازات در دبستان این بود که اگر دانش‌آموزی یک مقطع تحصیلی را در دو سال تحصیلی متوالی با موفقیت طی نمی‌کرد، از مدرسه اخراج می‌شد (همان: ۳۹). در مقابل، اسامی دانش‌آموزان ساعی و کوشا با خط خوش بر روی لوحی نگاشته و در کلاس، که «درس‌خانه» نامیده می‌شد، نصب می‌گردید. همچنین به دانش‌آموزانی که رتبه اول تا سوم را دریافت می‌کردند، هدیه‌ای از سوی دبستان اعطا می‌شد (همان: ۳۶).

زبان رسمی آموزش در دبستان فارسی بود و معلم‌ها و خلیفه‌ها ملزم بودند که با

دانش‌آموزان به فارسی صحبت کنند (همان: ۱۵).

مواد درسی نیز عبارت بود از: فارسی، علم عقاید، زبان عربی، لسان اجنبی، منطق و معانی، تاریخ عمومی، تاریخ ایران، رسم، علم حساب، جغرافیا، هندسه، جبر، هندسه رسمیه و مناظر، مثلثات، طپوغرافیا، حکمت طبیعی، کیمیا، تاریخ طبیعی، علم هیأت، قوانین دول، علم ثروت، اصول دفتر جدید (نظامنامه: ۱).

۹ مواد درسی

در دبستان ایرانیان، برای نخستین بار، دروسی تدریس شد که با سنت‌ها و هنجارهای موجود ایرانیان همخوانی نداشت، از جمله تدریس زبان فرانسه که نوعی تبلیغ فرهنگی مآبی تلقی می‌شد، و می‌توانست مخالفت‌های بزرگی را دامن زند؛ همان‌جریانی که مدرسه رشديه را - که بیش از یک دهه بعد از دبستان ایرانیان استانبول در ایران تأسیس شد - با مشکل مواجه کرد و رنج‌ها و سختی‌های بسیاری برای بنیان‌گذار آن به وجود آورد (رشديه ۱۳۷۰: ۲۸-۳۳). گرچه برخی از مواد درسی، چون علم عقاید، می‌توانست بازتاب‌دهنده عقاید فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی جامعه ایرانیان باشد، غالب آنها برگرفته از طریقه آموزش کشورهای غربی و بر پایه شیوه نوین بود. بررسی مواد درسی دبستان نشان می‌دهد که قصد بنیان‌گذاران آن تولید نیروی کار ماهر در حوزه‌هایی چون تجارت و صنعت و بالا بردن توانمندی تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان بوده است. آموزش زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و فرانسه در دبستان ایرانیان می‌توانست گام بزرگی برای ایجاد تعاملات اجتماعی و قابلیت استفاده از آن در حوزه‌های مختلف، به خصوص اقتصادی و تجاری، در زمان خود باشد. استانبول در آن روزگار بزرگ‌ترین شهر جهان اسلام بود که مرکزیت تجاری، فرهنگی و سیاسی داشت. در مواد درسی دبستان، دروس تاریخ ایران و جهان گنجانده شده بود، که به فهم دانش‌آموزان در حوزه ناسیونالیسم و وطن‌پرستی کمک شایانی می‌کرد. تقویت احساسات وطن‌پرستانه از دو جنبه اهمیت داشت:

۱. دانش‌آموزان ایرانی در غربت، با تکیه بر این احساسات، تا حدودی هویت فرهنگی خویش را می‌توانستند حفظ کنند و از جذب و هضم آنها در جامعه هدف جلوگیری می‌شد.
۲. گروهی از روشنفکران ایرانی در استانبول، که خود از پایه‌گذاران ناسیونالیسم

ایرانی بودند، به عنوان معلم در دبستان مذکور تدریس می‌کردند که این می‌توانست در ارتقای حس وطن‌پرستی دانش‌آموزان نقش چشمگیری داشته باشد.

۱۰ روش‌های تدریس

نگاهی تطبیقی به روش‌ها و فنون تدریس در مکتب‌خانه‌ها و دبستان ایرانیان به‌خوبی نمایان‌گر تفاوت‌های بنیادین این دو حوزه است. روش تعلیم در مکتب‌خانه‌ها انفرادی بود و شاگردان اغلب بر زمین می‌نشستند و معلم نیز به صورت جداگانه به آنها آموزش می‌داد و شاگردان باهوش و بزرگ‌تر را به عنوان «خلیفه» به تدریس دیگران مأمور می‌کرد. مکتب‌دار یا معلم معمولاً فردی سالخورده بود که سواد چندانی نداشت (علاقه‌بند ۱۳۷۳: ۱۵۴). از مشکلات عمده مکتب‌خانه‌ها در گذشته استفاده از متونی چون پنج‌گنج نظامی، دیوان حافظ، گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی و... بود، که سنخیت چندانی با متون آموزشی نداشت و فهم و درک آن برای دانش‌آموز بسیار دشوار بود؛ و به نظر می‌رسد حتی آموزگاران و ملایان نیز درکی از مفاهیم و معانی پیچیده آنها نداشتند (اختر، س ۵، ش ۴۱، ۲۱ شوال ۱۳۹۶: ۴؛ ملکی ۱۳۸۷: ۹۹). نکته دیگر بی‌تناسب بودن این متون با سطح رشد دانش‌آموزان بود. متون آموزشی و محتوای آنها باید، به فراخور رشد و آمادگی کودکان در حوزه‌های آموزشی، عقلی، عاطفی و...، تغییر می‌یافت، که این مهم در مکتب‌خانه‌ها رعایت نمی‌شد (ملکی ۱۳۸۷: ۹۹).

فصل سوم *نظام‌نامه*، چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، شامل ۱۲ ماده «در بیان تدریس» است، که در ماده نخست آن، به اهمیت «تقریرات» معلم بر پایه «اصول جدید» برای آموزش دانش‌آموزان تأکید شده است. طبق این ماده، دانش‌آموزان باید مواد درسی را به دو صورت می‌آموختند: یکی تقریراتی که خود معلم تشخیص می‌داد و می‌بایست بر مبنای اصول روز آموزش می‌بود و دیگری دروس کتاب‌هایی که از سوی انجمن تدریسیه مشخص می‌گردید و معلم ملزم به تدریس آن بود و امتحان دانش‌آموز نیز بر مبنای آن انجام می‌گرفت (*نظام‌نامه*: ۲۴).

شیوه تدریس در کلاس اول ابتدایی در دبستان ایرانیان با دیگر کلاس‌ها تفاوت داشت. در این کلاس، معلم ملزم بود که دروس را ابتدا برای همه دانش‌آموزان تدریس کند و سپس به افرادی که آن درس را کامل نیاموخته بودند، به صورت جداگانه، در همان کلاس آموزش دهد. البته در این آموزش انفرادی، این معلم بود که می‌بایست به حضور شاگرد رود. در کلاس اول ابتدایی، معلم باید تک‌تک شاگردان را زیر نظر می‌گرفت و بر نحوه یادگیری و انجام تکالیف آنان نظارت می‌کرد. دانش‌آموزان نیز، غیر از فراگیری دروس و انجام تکالیف با نظارت معلم، ملزم بودند که، به اتفاق هم، دروس را مرور کنند. آنها می‌توانستند در گروه‌های دو نفره و چند نفره، در کلاس، شروع به مرور درس و نیز «روان» نمودن آن کنند. در این کلاس چیدمان صندلی‌ها نیز به دو طریق بود: نخست آنکه هر دانش‌آموز یک صندلی یا به اصطلاح «کرسی» خویش را داشت و دیگر آنکه صندلی‌هایی به شکل دایره‌وار ساماندهی شده بود که به آنها «کرسی‌های سراسری» گفته می‌شد و دانش‌آموزان گرد هم دروس را مطالعه می‌کردند (همان: ۲۵).

۱۱ نتیجه

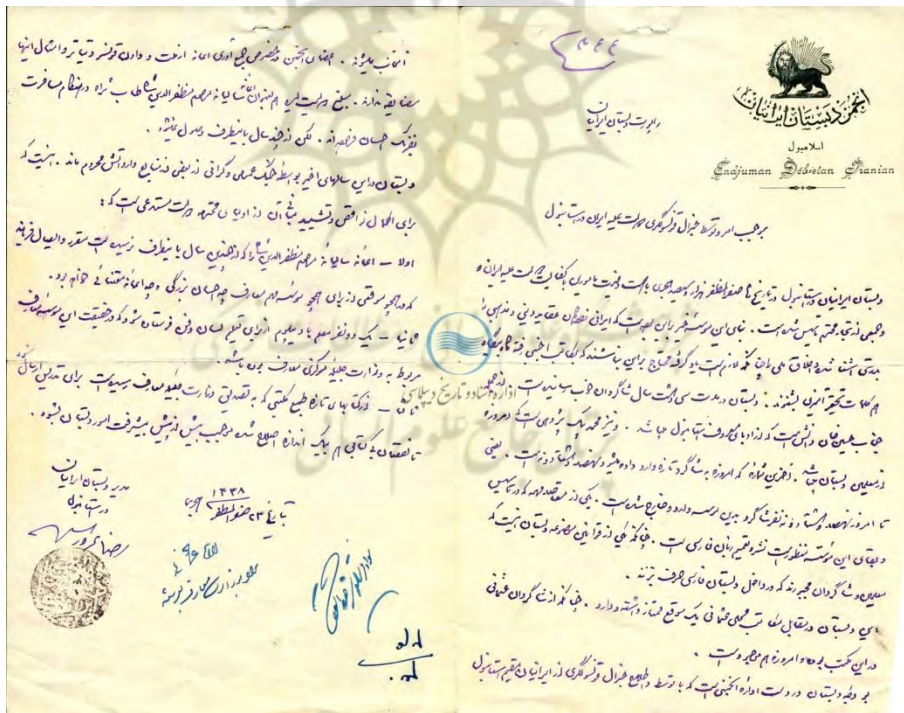
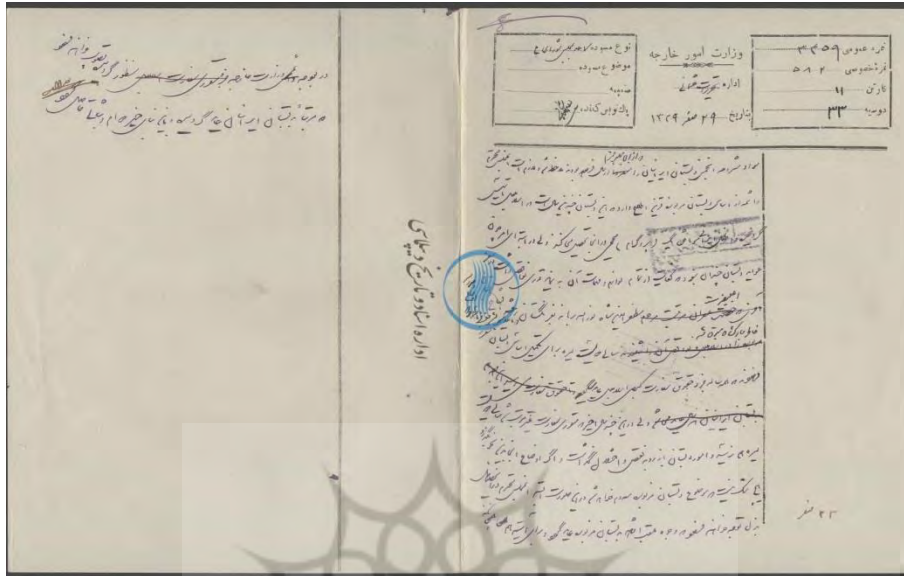
ایده تأسیس دبستانی به سبک مدرن برای تحصیل کودکان ایرانی در استانبول، به تجمع ایرانیان از اقشار مختلف و به‌خصوص آنهایی که از بضاعت مالی بیشتری برخوردار بودند، گرد انجمن خیریه‌ای با عنوان حسینیه، با هدف تأسیس مدرسه و حسینیه منجر شد. مشارکت داوطلبانه ایرانیان استانبول در انجام امور خیرخواهانه گام بزرگی در راستای ایجاد تعاون، همبستگی، همدلی و مشارکت اجتماعی بود که این خود به افزایش سرمایه اجتماعی در بین آنان انجامید.

در *نظام‌نامه دبستان ایرانیان*، که اساس این نهاد آموزشی بر پایه آن نظم و نسق یافته بود، چارچوب‌های اداری، مالی و به‌خصوص آموزشی مدرسه مشخص شده بود. مواد صد و ده‌گانه این نظام‌نامه تحولی بزرگ در نظام آموزشی ایرانیان را به نمایش گذاشت: در مواد درسی آن به عقاید دینی ایرانیان توجه شده بود و در بخشی دیگر، با

عنوان تاریخ، هویت ملی آنان در نظر گرفته شده بود. دروس حساب و علوم طبیعی اهمیت کاربردی فراوانی در حوزه امور تجاری و صنعتی داشت و فراگیری السنه بیگانگان، همچون زبان بین‌المللی فرانسه، می‌توانست چراغ راه برجسته‌ای در ایجاد تعاملات اجتماعی در حوزه‌های اقتصادی و تجاری در فضا و زمان خود بگشاید. استانبول در آن روزگار بزرگ‌ترین شهر جهان اسلام بود که از مرکزیت تجاری، فرهنگی و سیاسی برخوردار بود؛ بنابراین، تسلط بر علوم و فنون جدید و آشنایی با چند زبان برجسته و کاربردی در آن شهر فضای مناسبی برای حضور در عرصه کسب و کار می‌گشود.

منابع

- اختر (روزنامه)، سال‌های ۱۲۹۲-۱۳۱۴ق، شماره‌های متعدد.
- اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۹ق، کارتن ۳۰، پرونده ۱۹.
- خان ملک ساسانی، احمد (۱۳۵۴)، *یادبودهای سفارت استانبول*، تهران: بابک.
- رشدیه، فخرالدین (۱۳۷۰)، *زندگینامه پیر معارف رشدیه*، تهران: هیرمند.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴)، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، ج ۱، تهران: ستوده.
- شفیعی، ناهید (۱۳۸۹)، *اصول سنجش در آموزش و پرورش (راهکارهای کاربردی افزایش کیفیت سنجش توصیفی)*، چاپ دوم، تهران: آذر و سیمای دانش.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۷۳)، *مقدمات مدیریت آموزشی*، تهران: بعثت.
- فراهانی، محمدحسین بن مهدی (۱۳۶۲)، *سفرنامه میرزا محمدحسین حسینی فراهانی*، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: فردوسی.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷)، *مدارس جدید در دوره قاجاریه؛ بانیان و پیشروان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کسروی، احمد (۱۳۷۲)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- ملکی، حسن (۱۳۸۷)، *مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه*، تهران: سمت.
- نظامنامه دبستان ایرانیان* (کپی آن در آرشیو خصوصی نگارنده است).



مجلس شورای ملی

سواد عریضه انجمن دبستان ایرانیان
اداره
شماره ۳۰۳۲ و ۱۲۳۸
شماره ۱۱ صفر ۱۳۲۹

جمهوری ایران اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم
 این دبستان مبارک بندهای ما پوشیده است که از سالان درازت و تاریخ پر خست اسلام و کرامت جمیع
 مقتدر و در زینت از جانب ایرانیان کبریا نام دبستان ایرانیان شخصی فخرالین اصول و تعالیم و
 دین و تعلیم علوم ستوده و ستودا و بهمه ایام و فخرای ملت ما بس و کشیده است تا در سال آینده
 که هر یک در این دبستان کلاس عالی میباشند از زور دانش و تربیت بهره نمانند و بصارت
 مدرسه دولتی را نیز در این شهر کلاسها حضرت واضح و بودیدات که با معاری استخوانیست
 میباشند در کلاس اینجه تدریس مخصوص دولت و بزرگان ملت چنان است که مقتدم
 مولک با یون بر منظر الهی شود و اسلام از طرف انجمن دبستان شریفی کمالی همون شرف شده
 اواره و اسکا و با اینجه در مقامی
 همه مصارف و قانس اتصال دبستان کبریا معرف باهدام و اشغال بود عرض انجمن شخصه از انجا که
 عالیه تبت آن شایسته و مغفور بهره تربیت تبعه و در دبستان مصروف و تبریح مغفرت
 توجیه مخصوص است دولت کبریا انجمن بطریق اعانه آمراری انعام و دستخط فرمودند که بر سرانجام
 از خزانه خیار که در جزو و مقرر سعادت کبریا صدوق دبستان اتصال شود تا سال هزار و صد و بیست و چهار
 مذکور با بنامه کبریا و همینه که شایسته و مغفور در سفر دوم فرستادن بر امرار سابق افزوده اند بواسطه
 کبریا صدوق دبستان که رسازی شده است تقریباً چهار سال است بسبب اختلال امور ا
 در جو بات تراز که کار و نیک هزار لره انجمن است و عهده تعاون مانده است چون عادت
 دبستان را در جو بات مذکور شدنی فاید الرجاء خود وصول نمود لابد اینجاس مقدس سندم
 لند از حضرت مبارک بندگی که استعدنی کند در سعادت لازم انهار توکل فرمایند که در جو بات

بمستورین بکار این دبستان در روز چهارشنبه ۱۱ صفر ۱۳۲۹
 ایام فخر ایرانیان اسلامی که از دست در باره و در اینجه
 از اولین صفر است که در اسلام بندهای فخر ایرانیان
 نوبت انجمن است که در اینجه در اینجه در اینجه
 اطلاع محمودش کردید
 لطف انجمن دبستان ایرانیان



ایرانپول

تاریخ ماه
شماره

ساعت منارت از کتب مهم آورده استرسین کند که در دهه اول نظارت داشته باشند
مبتدیه فدریات تیب خرقه میانه جاده یک کتبه هفت کدر داد کرد که سه دهه مشب مورد باغ نوری
و قراره و تو که ها تم بر شو
مدفا تم خن ن سه صورت که کلو ادین برات عمیر، مشبه اس خردن بر صفت و در نه کجوه آه تقصم فریسته
که فدریات کجوه ا عمیر، رخ اصنا نه شو نظرات کانه در عمارت در سه بر آیه دو دکام در نه کجوه کرد
باشه که در این دو کار پون قه عیسه هر لحظه نایه و دو کس برات کتبه نه شو
محققان و اساتید

Handwritten signature



اداره اسناد و تاریخ دیجیتال

اداره اسناد و تاریخ دیجیتال
پروژه اسناد و تاریخ دیجیتال
پروژه اسناد و تاریخ دیجیتال
پروژه اسناد و تاریخ دیجیتال

پروژه اسناد و تاریخ دیجیتال
پروژه اسناد و تاریخ دیجیتال
پروژه اسناد و تاریخ دیجیتال
پروژه اسناد و تاریخ دیجیتال

